



مروری بر فیلم هتل

ذائقه‌شناسی

ابراهیم کاظمی مقدم

نویسنده و طنزپرداز



و ضد زن در فیلم است. بنیان فیلم هتل بر اساس دروغ و خیانت است. پژمان جمشیدی در نقش رامین قادری، برای حل مشکل مالی‌اش متوسل به دروغ می‌شود. او در شب عروسی به همسرش دروغ می‌گوید و با همسر قبلی‌اش به کیش سفر می‌کند. از طرفی محسن کیایی در نقش مسعود مروچی و رئیس رامین هم برای خیانت به همسر اولش به کیش سفر می‌کند. در ادامه ماجرا با رسیدن همسران این دو به کیش جذاب می‌شود. روبه‌رو شدن این افراد با هم باعث خلق طنز موقعیت می‌شود.

سازندگان فیلم هتل و بخشی از مخاطبین معتقدند که چون پایان فیلم مردها به سزای اعمالشان رسیدند، فیلم پندآموز بوده و خوب است. اما این باعث نمی‌شود که نگاه ابزاری به زن در فیلم پنهان شود. خانم‌ها در فیلم هتل انسان‌های ساده‌ای هستند که مدام گول مردها را می‌خورند. در پایان هم با همین مردهای دروغ‌گو و خائن می‌مانند. حتی غلامرضا نیک‌خواه در نقش پدرزن رامین نیز در مقام پدر از دخترش دفاع نمی‌کند و همواره حق را به دامادش می‌دهد. شأن و جایگاه زن موضوعی نیست که دست کم گرفته شود و چون ذائقه مخاطب است به آن احترام نگذاریم!

درست است که هدف در خندانند مخاطب خلاصه شده‌است اما عادی‌سازی روابط خارج از چارچوب خانواده و خیانت را به هیچ‌وجه توجیه نمی‌کند. به‌خصوص که در پایان فیلم نیز رامین و مسعود از رفتار خود پشیمان نیستند و اگر بتوانند به همان روند ادامه می‌دهند. منتها شرایط عوض شده و دیگر نمی‌توانند این کار را بکنند. هرچند این‌طور آدم‌ها یا راهی خواهند یافت و یا راهی خواهند ساخت!

لب کلام اینکه ذائقه مخاطب و فروش گیشه ملاک و معیار خوبی برای سنجیدن عیار یک فیلم نیست. کما اینکه یک کودک شکلات را بیشتر از نخود و کشمش می‌پسندد، ولو بداند برای دندان‌هایش ضرر دارد. آیا می‌توان به ذائقه او احترام گذاشت؟ آیا می‌توان برای پاداش به او شکلات داد؟ یا سیگار و نوشابه که برای افراد سیگاری و دیابتی مانند سم هستند اما ذائقه ایشان آن را می‌پسندد. آیا شناختن این ذائقه و استفاده از آن برای فروش سیگار و نوشابه به این افراد کار درستی است؟

حکیمی می‌گفت: «شما ده نفر استاد اخلاق بیاور، من یک نفر رفاص می‌آورم. ببینیم کدام یک از ما آدم‌های بیشتری دورمان جمع می‌شود!» بنابراین ذائقه‌شناسی کافی نیست و باید به رشد مخاطب هم فکر کرد. یا حداقل او را از آنچه که هست تنزل نداد.

فیلم هتل این روزها با حدود دویست میلیارد تومان فروش، پرچمدار سینمای ایران است. این فیلم که از پنجم مهرماه اکران خود را آغاز کرده، با فروش عالی و تعداد بیننده میلیونی‌اش نام خود را در بین پرفروش‌ترین فیلم‌های تاریخ ایران ثبت کرده‌است. این تعداد بیننده برای اثر تازه مسعود اطیابی نشان‌دهنده شناخت خوب او از ذائقه مخاطب است. این کارگردان پیش از این نیز نشان داده که در اسکروبال (نوعی از کمدی که صرفاً برای خندانند ساخته شده) حرف برای گفتن دارد. این موضوع را می‌توان با نگاهی به نظرات کاربران سینماتیکت فهمید.

از دیگر ویژگی‌های مثبت این اثر بی‌حاشیه بودنش و تلاش برای خندانند بدون شوخی اروتیک است. در سینمایی که حاشیه و تیزر فیلم برای بسیاری از کارگردانان مهم‌تر از مخاطب و فیلم اصلی است، هتل یک سرو گردن بالاتر از بقیه است. تنها بخشی از این ویژگی‌ها کافی‌ست تا یک اثر را برای منتقدین نیز قابل اعتنا نماید.

با این وجود دیدگاه منتقدین سینما و رسانه چیز دیگری است. منتقدین فیلم هتل معتقدند که داستان منسجم، حلقه مفقوده فیلم است. البته اگر بپذیریم فیلم اسکروبال است، این ویژگی زیاد اهمیتی ندارد. چون اساس کارگردان هدفش خندانند و گیشه بوده است، نه چیز دیگر؛ هرچند مجبور شود از شوخی‌های بیشتر برای پر کردن این خلأ استفاده کند و حتی اگر به شوخی‌های کیشنی و تویییتی وابسته شود. البته ویژگی مثبت فیلم هتل این بود که علاوه بر این شوخی‌ها، صحنه‌های خنده‌دار و طنزی را نیز خلق کرده بود. به عبارتی استفاده این فیلم از طنز موقعیت دلیل موفقیتش در خندانند مخاطب بود. در هر صورت، باید پذیرفت که ذائقه مخاطب امروز همین است، پس گیشه هم تقدیم به کارگردانی می‌شود که سراغ همین چیزها برود، حتی به قیمت ماندگار نشدن اثرش.

دومین مسئله بازی تکراری شخصیت‌های اصلی است. از پژمان جمشیدی و محسن کیایی گرفته تا غلامرضا نیک‌خواه. اگرچه این مورد هم اهمیتی برای سازندگان اثر ندارد. خودتان را جای عوامل بگذارید. زمانی که مخاطب آن را ببیند چه ایرادی دارد؟ هدف این بود که مخاطب بخندد و می‌خندد. پس تا چند فیلم دیگر هم با همین فرمان پیش برویم مشکلی پیش نخواهد آمد! حتی گاهی کارگردان دقیقاً همین تکراری بودن را می‌خواهد. بماند که در استفاده از سوپراساتراها این قضیه شاید اجتناب‌ناپذیر نباشد اما فراگیر است.

سومین مسئله و به زعم بنده مهم‌ترین مسئله نگاه جنسیتی



نگاهی به انیمیشن جدید

لئو با صدای پیشگی آدام سندلر

ساده، بامزه، حال خوب کن

محمد رضا رضایی

نویسنده و طنزپرداز



انیمیشن لئو جدیدترین اثر آدام سندلر (کمدین آمریکایی) است که تهیه‌کنندگی، نویسندگی و صدای پیشگی آن را بر عهده دارد. داستان این انیمیشن در مورد یک مارمولک پیر به نام لئو است که تمام عمر خود را در آکواریم کلاس درس یک مدرسه به همراه یک لاک‌پشت زندگی کرده و اکنون در سن ۷۴ سالگی می‌فهمد که تنها یک سال دیگر از عمر او باقی مانده است؛ پس تصمیم می‌گیرد با فرار از قفس شیشه‌ای به طبیعت بازگردد و اتفاقات جدیدی را تجربه کند. اما ماجرا جور دیگری پیش می‌رود و هدف این مارمولک تغییر می‌کند و تصمیم می‌گیرد تجربه این ۷۴ سال زندگی را در اختیار شاگردان کلاس قرار دهد تا مشکلات و دغدغه‌هایشان رفع شود.

انیمیشن لئو یک فیلم کمدی موزیکال و سرحال و پر از احساسات خوب و مثبت است. این فیلم کاملاً یک فیلم خانوادگی است و مطمئناً بزرگسالان هم از دیدنش لذت می‌برند. شخصیت‌های فیلم همگی دوست‌داشتنی‌اند و شخصیت منفی مطلق در فیلم وجود ندارد. حتی شخصیت‌های خاکستری فیلم هم در اعماق زندگی‌شان مشکلاتی دارند که به‌عنوان مخاطب به آن‌ها حق می‌دهید اگر کمی بدجنس باشید.

لئو ضمن پرداختن به برخی مشکلات دوران کودکی و دغدغه‌های ساده کودکان، به نقش مهم والدین در ایجاد این دغدغه‌ها می‌پردازد و نشان می‌دهد که گاهی والدین بدون این که بخواهند و متوجه باشند، چگونه باعث ایجاد استرس و فشارهای روحی متعدد برای فرزندانشان می‌شوند. در عین حال فیلم از زبان یک مارمولک مهربان و بامزه به کودکان این پیام را منتقل می‌کند که نباید زندگی را سخت گرفت و گاهی مشکلات سخت، راهکارهایی ساده دارند.

داستان انیمیشن لئو پیچیده نیست و ساده روایت می‌شود. لئو فیلم پرادعایی نیست و با زبانی راحت و بسیار بامزه پیامش را منتقل می‌کند. فیلم سرگرم‌کننده است و مخاطب را تا پایان داستان با خودش می‌کشد. شوخی‌های فیلم به اندازه و بانمک هستند. لئو همچنین یک انیمیشن موزیکال است و در بخش‌های مختلفی از فیلم، از موسیقی هم استفاده می‌شود. هرچند اجرای موسیقی در این انیمیشن کم و کوتاه است، اما همین بخش‌های کوتاه هم ارزش افزوده‌ای برای فیلم نداشتند و شاید اگر بدون موزیک روایت می‌شد، جذابیت بیشتری هم داشت.

به‌طور کلی لئو داستان ساده و در عین حال جذاب و سرگرم‌کننده‌ای دارد و زیاد حاشیه نمی‌رود. لئو بامزه، سرحال و حال خوب کن است. اگر دنبال یک انیمیشن خانوادگی سرگرم‌کننده و زیبا هستید که از دیدنش لذت ببرید و بعد از تماشای آن لبخند بر لب داشته باشید، انیمیشن لئو را پیشنهاد می‌کنیم.